ایلیا

تولد یک قهرمان

۴

مجموعه داستان های

مصور دنباله دار

بسم الله الرحمن الرحیم

مدیر پروژه :
محمد مهدی جلالیان

نویسنده : **امین توکلی**

طراح : **میثم برزا ،**
امین عباسی فرد

رنگ : **نیوشا امینی**
مرجان حیدری،امین شریف زاده

کاور : **نیوشا امینی**

لترینگ: **حجت حسنی**
مرتضی محمد

گرافیست : حجت حسنی

سلام

تو قسمت های قبل دیدیم که چه اتفاقاتی برای امیرعلی افتاد و امیرعلی در چه موقعیت های دشواری قرار گرفت. موقعیت هایی که مجبورش می کرد به گرفتن تصمیمات سخت و سرنوشت ساز. موقعیتی که باید بین دلبستگی های خودش و نجات مردم انتخاب می کرد. بین عادی بودن و قهرمان شدن . جایی که امیرعلی تصمیم گرفت از همه چیزش بگذره و مثل پدرش یک قهرمان بشه. اما تازه این اول ماجراست و اتفاقات بزرگ و عجیبی انتظار امیر علی رو می کشن. همراه ایلیا باشید....

محمدمهدی جلالیان

حق چاپ برای این مجموعه محفوظ بوده و هر گونه نسخه برداری یا ایده برداری از شخصیت ها یا ایده داستان ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.
Copyright © 2019 Comica. All rights reserved. All characters featured in this issue, the distinctive likenesses thereof & related elements are trademarks of Comica. The stories, charahters & incidents mentioned in this issue are entirely fictional.

قیمت : ۱۵,۰۰۰ تومان
شمارگان : ۱۵,۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ : اول، ۱۳۹۸
ناشر : ابراهیم

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

سرشناسه: توکلی، امین، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور: ایلیا تولد یک قهرمان(۴) / نویسنده امین توکلی
طراح: میثم برزا.
مشخصات نشر: تهران: ابراهیم، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۳۲ ص. : مصور(رنگی)؛
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۲۳-۸-۷ ؛ ۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌ها، مجله‌ها و فکاهیات تصویری -- ایران -- قرن ۱۴
موضوع: 20th century -- Comic books, strips, etc. -- Iran
موضوع: داستان‌های تصویری -- ایران
موضوع: Graphic novels -- Iran
شناسه افزوده: برزا، میثم، ۱۳۶۳ -، تصویرگر

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۲۲۸۶۶

حالا دیگه براشون یه مهره سوخته شدم. یه سگ ولگرد که فقط میخوان از شرش خلاص بشن.
اما کور خوندن.

یالله

کاری می‌کنم که کل شهر تا آخر عمر من رو یادشون بمونه.

به همین سادگی‌ها نمی‌تونن منو کنار بزارن.

ماجرای دکتر اصلان اینجا تموم نمیشه.

ججج

چند تا میخوای؟
سه تا لطفا!
بادکنک بدم؟ بادکنک با طرح های مختلف! بادکنک!
صبر کنید بلیط بگیرم!

شما از امیرعلی خبر ندارید؟
از دیروز که اون ماجرا پیش اومد دیگه نه!
من بهش زنگ زدم اما در دسترس نبود.

حتما از دستمون ناراحت شده.
ناراحت چی؟
بد کاری کردیم داشتیم جداشون میکردیم که توی دردسر نیافتن؟

امیرعلی توی شرایط خوبی نیست. به نظرم طبیعیه که حساس شده باشه.
خب میریم از دلش در میاریم. خوب شد مرتضی؟

مرتضی؟
کجارفت؟
میگم اگه پایه اید اول یه ته بندی کنیم بعد بریم
غررر
بوی فلافل زد یهو ضعف کردم.
باز خندق بلای این به سر و صدا افتاد.
چاره ای نیست. این با شکم گشنه هیچ کاری ازش بر نمیاد.
فلافل سلف سرویس
آق جون
کامران این دفعه نوبت توئه مهمون کنی، دفعه پیش آرش حساب کرد.